

سوداهای ایالات متحده در طرح خاورمیانه بزرگ

دکتر سارا جوادی فتح

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

با گذشت بیش از یک دهه از فروپاشی اتحاد شوروی، تحولات بین‌المللی به سمت وضعیتی در حال حرکت است که میزان تأثیرگذاری ایالات متحده را در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش داده است. این وضعیت با تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ شروع به شکل‌گیری نمود و با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و آغاز استراتژیهای جدید آمریکا در خاورمیانه (و به خصوص عراق) تکمیل گردید. بر این اساس آمریکا به دنبال حوادث ۱۱ سپتامبر

۲۰۰۱ و با هدف ایجاد بسترهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متناسب با منافع خود در منطقه، طرح خاورمیانه بزرگ را مطرح ساخت. در طرح «خاورمیانه بزرگ»، کشورهای عربی منطقه به علاوه پاکستان، افغانستان، ایران، ترکیه و اسرائیل مدنظر هستند.

در طرح جدید آمریکا اشاره شده که آزادی، دانش زنان در زمره ارکانی هستند که در جوامع خاورمیانه به شکل کم‌رنگی وجود دارند و این خود می‌تواند وضعیت خطرناک و نگران‌کننده‌ای را برای کشورهای بزرگ



در پایان نیز به ارزیابی طرح و نتیجه گیری کلی آن می پردازد.

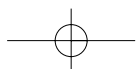
۱- اهمیت منطقه خاورمیانه در جهان

لفظ خاورمیانه که اولین بار توسط دریا سالار آمریکایی آلفرد ماهان در نوشته های علمی اش به کار رفت، به تدریج پس از جنگ جهانی دوم جنبه جهانی یافت. چرا که این منطقه و کشورهای داخل محدوده آن یکی از مناطق مهم استراتژیک و ژئواستراتژیک جهان به شمار می آیند که در قرون متمادی به دلیل موقعیتهای ویژه خود مورد توجه قدرتهای بزرگ بوده اند.^(۱) خاورمیانه دارای ویژگیهای یگانه و شاخصی است که نظیر آن را در کمتر منطقه ای از جهان می توان یافت. در این منطقه شش نژاد گوناگون در کنار هم زندگی می کنند و مهد ظهور سه دین متفاوت یعنی اسلام، مسیحیت و یهودیت است. فرهنگ مرسوم در خاورمیانه اساساً بر معتقدات مذهب اسلام بنیان گذاشته شده است.^(۲) از اهمیتهای ژئوپولیتیک این منطقه می توان به تلاقی قاره های اروپا، آسیا و آفریقا در امتداد محور مدیترانه و بحر احمر نام برد که در این میان نقش کانال سوئز بسیار حائز اهمیت است و موجب شده که خاورمیانه به صورت یک گذرگاه بین اروپا و مشرق زمین عمل کرده و دارای نقش ترانزیتی شود.

با اهمیت خاورمیانه در چرخه قدرت و اقتصاد جهانی با توجه به برخورداری از ویژگیهای ژئوپولیتیک، ژئواستراتژیک،

صنعتی ایجاد کند. با این حال تردیدی نیست که آمریکا در کنار طرح اهداف فوق و کوشش در ایجاد دموکراسی برای جوامع عرب، در حقیقت به دنبال اهداف پنهان خود است که انگیزه های اقتصادی هر چه بیشتر با اطمینان از ثبات آن را در بر می گیرد و این امر جز به صورت مستقیم در قالب امپریالیسم و استعمار و به صورت غیرمستقیم از طریق ایجاد نهادهای اقتصادی - سیاسی بین المللی و سازوکارهای مالی و تجاری ممکن نیست. البته در کنار انگیزه های اقتصادی و تجاری باید به اهداف سیاسی آمریکا نیز توجه داشت.

آمریکا با حمله نظامی به افغانستان برای امنیت خاورمیانه، رهیافت سخت افزاری امنیت را انتخاب نمود و در تداوم آن، عراق را اشغال کرد. اشغال عراق را باید مهم ترین نقطه عطف و سرآغاز تحولات ساختاری در سیاست گذاری کشورهای منطقه دانست. به دنبال ارائه طرح خاورمیانه بزرگ، انتقادات شدیدی از سوی افراد و کشورها (به ویژه کشورهای اتحادیه اروپا و عرب) شاهد بودیم که خواستار تعدیل شدن طرح بودند. این مقاله در صدد است که ابتدا اهمیت منطقه خاورمیانه را بررسی نموده، استراتژی آمریکا را بعد از جنگ جهانی دوم مدنظر قرار داده و از طرف دیگر به مقایسه طرح مارشال آمریکا در مقابل طرح خاورمیانه بزرگ تر می پردازد و آن را به عنوان نمونه ی تاریخی مطرح می کند. این مقاله می کوشد اهداف کلی طرح خاورمیانه بزرگ را بررسی و



ژئواکونومیک و ژئوکالچر شاهد تأثیرگذاری فزاینده آن بر نظام تصمیم‌گیری جهانی هستیم. در زمان جنگ سرد دو ابرقدرت در این منطقه از الگوی مداخله دوجانبه پیروی کردند و پس از فروپاشی شوروی نیز شاهد یک‌جانبه‌گرایی و هژمونی آمریکا هستیم. منطقه خاورمیانه به دلیل دارابودن ۲۳ درصد جمعیت جهان، مالکیت ۳۰ درصد از منابع خارجی از جمله ۷۴ درصد از ذخایر نفت خام جهان، ۵۰ درصد از ذخایر کشف شده گاز طبیعی، ۵۰ درصد کشف ۲۰ درصد تولید بوکسیت، ۳۰ درصد ذخایر فسفات، ۳۵ درصد قلع، ۱۰ درصد اورانیوم، ۲۰ درصد تولیدات پنبه، ۱۷ درصد تولید برنج و با دارابودن ۱۷ درصد از گستره سرزمینی جهان، داشتن جمعیت فراوان و نیروی کار، فضای باز و امکانات بکر برای سرمایه‌گذاریهای عظیم، سیستم انتقال انرژی قوی، این منطقه را دارای اهمیت بسیاری برای کشورهای بزرگ صنعتی کرده است و از سوی دیگر اهمیت منطقه‌گرایی خاورمیانه، به دلیل پیوند آن با موضوعات امنیتی بین‌المللی است. امنیتی شدن هویت منطقه‌ای به دلیل اشغال عراق توسط آمریکا و تلاش نومحافظه‌کاران کاخ سفید برای تغییر جغرافیای سیاسی خاورمیانه از نظر تضعیف فزاینده منطقه‌گرایی، افزایش فضای مسابقه تسلیحاتی، رادیکالیزه شدن فضای سیاسی و نقش قدرتهای فرامنطقه‌ای، مسئله اعراب و اسرائیل و منافع آمریکا سبب اهمیت بیش از پیش منطقه خاورمیانه از دید قدرتهای بزرگ شده است.^(۳)

در این منطقه همچنین شاهد پیوندهای درون منطقه‌ای بین کشورهای مختلف هستیم. تعامل مصر و سوریه با شورای همکاری خلیج فارس بر اساس پیمان ۶+۲، پیمان امنیتی ترکیه و اسرائیل، راهبرد پان‌تورانیستی ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز، حضور اسرائیل و سرمایه‌گذاری آن در آسیای مرکزی و قفقاز، تلاش عربستان برای ترویج وهابیت در آسیای مرکزی و قفقاز از رهگذر احداث مساجد و مدارس دینی، تلاش اروپا برای ایجاد هم‌پیوندی تمدنی و تعامل میان خاورمیانه و مدیترانه، پیوند مصر و سودان با تحولات خاورمیانه، تأثیرگذاری روسیه بر تحولات دریای خزر و نیز بر تحولات عراق و صلح خاورمیانه موجب شده که بر پیوندهای درون منطقه‌ای آن تأکید شود. ایران نیز به عنوان هارتلند جدید در ژئوپولیتیک پست‌مدرن و به عنوان پیوند دهنده خلیج فارس، خاورمیانه و منطقه خزر که مهم‌ترین مناطق تأمین انرژی در قرن ۲۱ محسوب می‌شوند و به عنوان گذرگاهی استراتژیک در میان دو منبع اصلی انرژی جهان و نیز موقعیت ویژه در تجارت بین‌الملل و کریدور شمال و جنوب می‌تواند قطب محوری همگرایی در خاورمیانه به شمار آید. با توجه به منطقه‌گرایی در کشورهای خاورمیانه ما شاهد همکاری در کلیه زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، ارتباطی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و زیست‌محیطی هستیم. در عرصه اقتصادی، کشورهای

خاورمیانه می‌کوشند با پیوند با یکدیگر و

منطقه‌گرایی بستر ورود به جریان جهانی اقتصاد بهره‌گیرند و در چارچوب یک هویت اقتصادی و تجاری مشترک همچون؛ اکو، اوپک، گروه D8 یا بازار مشترک اسلامی و یا ایجاد همگرایی گسترده اقتصادی و ارتقای مبادلات تجاری در یک بازار مشترک اقتصادی تعامل گسترده‌ای را آغاز کنند.

۲- اهداف طرح خاورمیانه بزرگ

منطقه خاورمیانه یکی از کانونهای بحران در جهان پرتلاطم امروز است و تمرکز تمامی کشورهای جهان بر این منطقه است. در چنین شرایطی آمریکا طرحی را با نام طرح خاورمیانه بزرگ برای کل منطقه در نظر گرفته است. طرح

خاورمیانه بزرگ به بهانه حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی با هدف تسلط بیشتر بر منطقه، تأمین امنیت اسرائیل، کمک به گسترش نفوذ اسرائیل از جنبه‌های سیاسی و اقتصادی در منطقه، تسلط بر نفت و تضمین امنیت جریان نفت برای آمریکا و نهایتاً فرصت‌یابی برای مبارزه با اسلام ناب و بیگانه ستیز است که تهدیدگر منافع آمریکا دانسته می‌شود، فراهم گردیده و در جهت ایجاد بسترهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی متناسب با اهداف مذکور، در منطقه تدوین و تنظیم شده است. آمریکا برای مخفی داشتن اهداف واقعی که همانا تضمین منافع استراتژیک آمریکا در خاورمیانه است، می‌کوشد از گفتمانهای مدرن و مقبول استفاده نماید. جورج بوش، رئیس جمهوری ایالات متحده در نوامبر سال ۲۰۰۳ (آبان ماه ۱۳۸۲) با اعلام این مطلب که مردم خاورمیانه باید رهبرانی مردم‌سالار و دارای احساس مسئولیت داشته باشند، یک راهبرد جدید پیشبرد آزادی در خاورمیانه را اعلام کرد. پس از آن پاول، وزیر امور خارجه سابق آمریکا

در عرصه فرهنگی کشورهای خاورمیانه با راه‌اندازی شبکه‌های ماهواره‌ای تلویزیونی سعی در حضور در دنیای ارتباطات و تعامل سازنده با فرهنگ جدید جهانی دارند و می‌کوشند ضمن تکیه بر ارزشها و هنجارهای مشترک، تاریخ، فرهنگ، دین و تمدن مشترک بر افکار عمومی تأثیر گذارند و توان خود را به منصف ظهور رسانند. در عرصه اجتماعی، کشورهای خاورمیانه می‌کوشند با بهره‌گیری از ظرفیت علمی و جمعیتی خود به گسترش مراودات و مبادلات علمی و انسانی بپردازند و با سوق دادن ساختارهای اجتماعی به سوی عدالت، توسعه اجتماعی را تحقق بخشند در عرصه توسعه با اصلاح ساختارهای سیاسی، انعطاف مدیریتی و مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری و توجه به نقش جامعه مدنی و هنجارهای حقوق بشری، تعهد خود را به موازین دموکراتیک نشان دهند. بنابراین کشورهای منطقه خاورمیانه، با توجه به اهمیت منطقه در جهان، درصددند تا با پیوند با یکدیگر و کشورهای حوزه‌ی خود، قدرت نفوذ و

در سال ۲۰۰۴ میلادی طی سخنانی ضمن تشریح طرح خاورمیانه بزرگ اعلام کرد.^(۵) در این پروژه، کشورهای عربی به دموکراسی، ایجاد حکومت‌های مردمی، اصلاحات آموزشی، توسعه و فرصت‌های شغلی، توصیه می‌شوند.^(۶) جورج بوش نیز در ۹ ماه می ۲۰۰۴ در یک سخنرانی در دانشگاه کارولینای جنوبی، ضمن بیان طرح خاورمیانه‌ای آمریکا اعلام کرد که تعهد دولت آمریکا نسبت به خاورمیانه دو بخش حیاتی دارد؛ منطقه آزاد تجاری خاورمیانه و ابتکار عمل مشارکت خاورمیانه.

آماري که در سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ از وضعیت خاورمیانه مطرح شد فراخوان قانع‌کننده و مؤکدی برای تحرک در خاورمیانه بزرگ تلقی می‌شود. فراخوانی که بارها فعالان و دانشگاهیان و بخش خصوصی آن را مطرح کرده و برخی از رهبران کشورهای خاورمیانه نیز سعی نموده‌اند گامهایی را در جهت اصلاحات سیاسی و اجتماعی بردارند. کشورهای عضو گروه هشت نیز به نوبه خود این تلاش را تأیید کرده و با پیشنهادات خاص خود خواستار اصلاحات در منطقه خاورمیانه شده‌اند. طرح مشارکت اروپا و خاورمیانه و طرح مشارکت آمریکا و خاورمیانه و تلاشهای چندجانبه برای بازسازی افغانستان و عراق، تعهد گروه هشت را برای اصلاحات در منطقه آشکار ساخت. بنابراین کاخ سفید برای تقویت آنچه خود آن را دموکراسی و حکومت قانونی اعلام کرده راهکارهای زیر را برای سه هدف

ایجاد دموکراسی، تأسیس جامعه‌ای فرهیخته و توسعه فرصت‌های اقتصادی برگزیده است. اولین هدف طرح خاورمیانه بزرگ ترغیب به «ایجاد دموکراسی» است. گزارش توسعه انسانی کشورهای عرب نشان داده که در اواخر دهه‌ی ۹۰ از بین هفت منطقه در جهان، کشورهای عربی در کمترین سطح از آزادی قرار دارند. این گزارش تأکید می‌کند: «از نظر سطح مشارکت در حکومت‌های موجود فاصله بزرگی بین کشورهای عربی و سایر مناطق وجود دارد... این کاستی در سطح آزادی توسعه انسانی دو چندان است و یکی از جلوه‌های عقب ماندگی از توسعه سیاسی محسوب می‌شود». علاوه بر این جهان عرب از نظر جایگاه زنان تنها بر کشورهای جنوب صحرائی بزرگ آفریقا رجحان دارد. به طور مثال در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳ اعراب، ساکنان این کشورها در صدر لیست افرادی قرار دارند که در سراسر جهان می‌گویند «دموکراسی بهتر از هر نوع دیگری برای حکومت است» و بالاترین حد از عدم پذیرش حاکمیت استبدادی را ابراز کرده‌اند.^(۷) اولین گام طرح خاورمیانه بزرگ که همانا تضمین‌کننده اهداف سلطه‌جویانه آمریکا خواهد بود. موارد زیر را در برمی‌گیرد. گفتنی است که آنچه در ادامه می‌آید منعکس‌کننده دیدگاه آمریکاییان از گام نخست تحقق خاورمیانه بزرگ می‌باشد.

۳- ویژگیهای گام نخست-تحقق خاورمیانه و مبارزه با فساد بزرگ از نظرگاه آمریکاییها

الف- طرح انتخابات آزاد

بر اساس این طرح در فاصله سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ کشورهای ایران، الجزایر، افغانستان، بحرین، مغرب، قطر، عربستان، تونس، ترکیه و یمن شاهد برگزاری انتخابات بوده یا خواهند بود.^(۸) این در حالی است که آمریکا ابتدا قصد داشت با امنیت به دموکراسی برسد، اما با این طرح می خواهد با دموکراسی امنیت بیاورد و این پارادوکس در رسیدن به دموکراسی همچنان لاینحل مانده است.

ب- طرح رسانه های مستقل

گزارش توسعه انسانی سازمان ملل نشان داد که برای هر ۱۰۰۰ شهروند عرب کمتر از ۵۳ روزنامه یا نشریه وجود دارد. حال آنکه این آمار برای کشورهای پیشرفته برای هر نفر ۲۸۵ نشریه است. از سوی دیگر روزنامه های عرب دارای کیفیت پایین و اکثر برنامه های تلویزیونی منطقه در مالکیت یا کنترل دولت است. این کاستیها به دلیل عدم توجه توده های مردم به رسانه ها باز می گردد و برای حل این مشکل گروه هشت یک سری اقدامات را بیان کرده که می توانند تعقیب کنند: راه اندازی دیدارهای متقابل میان روزنامه نگاران، راه اندازی برنامه های آموزش روزنامه نگاران مستقل، ارائه بورس تحصیلی برای ادامه تحصیلات در رشته روزنامه نگاری، کوشش برای شفاف سازی

ج- جامعه مدنی

با توجه به اینکه نیروی پیش برنده یک اصلاحات واقعی در خاورمیانه بزرگ باید از داخل ناشی شود و نیز اینکه بهترین شیوه ها برای تشویق اصلاحات از طریق سازمانهای انتخابی صورت می گیرد، شایسته است که گروه هشت سازمانهای کارآمد حوزه جامعه مدنی در منطقه را توسعه داده و تشویق کنند.

دومین هدف طرح خاورمیانه بزرگ ایجاد جامعه ای فرهیخته است. منطقه خاورمیانه که روزگاری مهد اکتشافات علمی و معرفت بود تا اندازه زیادی از جهان کنونی که رویکردی اطلاعاتی دارد عقب مانده است. شکاف اطلاعاتی خاصی را که منطقه از آن رنج می برد به علاوه فرار مغزها چالش مهمی بر سر راه توسعه این کشورها است. به طوری که تولید کتاب در کشورهای عربی تنها ۷۱ درصد کل تولید کتاب جهانی است و یک چهارم فارغ التحصیلان به خارج مهاجرت می کنند. بنابراین گروه هشت می تواند برای حل مشکلات در منطقه کمک کند و دانشجویان را یاری دهند تا به منظور موفقیت، مهارتهای لازم را کسب کنند. این هدف بر سه مؤلفه تأکید دارد:

۱- طرح آموزشهای اساسی

این منطقه به علت کاهش سرمایه گذاری دولت و افزایش داوطلبان به موازات فشارهای جمعیتی از فقدان آموزشهای

دارد که تا حدودی در کشورهای اروپای شرقی که در گذشته کمونیسم بودند، اجرا شد. کلیه این تحول در آزادسازی توان بخش خصوصی در منطقه به ویژه در طرحهای کوچک و متوسط است که اصلی ترین موتور رشد اقتصادی و ایجاد فرصتهای کاری به شمار می رود که از مهم ترین عناصر برای رشد دموکراسی و آزادی است. کشورهای گروه هشت در این رابطه اقدامات زیر را می توانند انجام دهند:

۴- طرح سرمایه گذاری برای رشد

تقویت کارآمدی بخش مالی عنصری ضروری برای دست یافتن به میزان بالایی از رشد و ایجاد فرصتهای کاری است که این امر از طرق زیر امکان پذیر است: اعطای وام به پروژه های کوچک - تأسیس بانک توسعه خاورمیانه بزرگ به منظور اعطای وام به داوطلبان در خاورمیانه - مشارکت به منظور تشکیل یک سیستم مالی بهتر و اصلاح خدمات پول در منطقه.

۵- طرح تجارت آزاد

حجم تبادل تجاری در میان کشورهای خاورمیانه بسیار پایین است و بیش از ۶ درصد از کل تجارت کشورهای عربی را شامل نمی شود. اکثر کشورهای خاورمیانه با کشورهای خارج از منطقه تبادل تجاری داشته و به جای همسایگان ترجیح می دهند با کشورهای بسیار دورتر روابط تجاری

اساسی رنج می برد. گروه هشت راهبردهای زیر را ارائه می دهد: تشکیل گروههای مبارزه با بی سوادی، چاپ کتابهای آموزشی، پیشنهاد تأسیس مدارس علمی و اکتشافی و اصلاحات آموزشی.

۲- طرح آموزشی از طریق اینترنت

استفاده و ارتباط با اینترنت منطقه خاورمیانه در پایین ترین سطح قرار دارد و ضروری است با توجه به روند افزایش اطلاعات سپرده شده به اینترنت و اهمیت آن در رابطه با آموزش و بازرگانی شکاف آماری بین این منطقه و جهان پر شود و در این میان کشورهای گروه هشت قادرند در رابطه با ارتباطات کامپیوتری با توسعه شبکه های آن در کل منطقه یا بخش خصوصی و عمومی وارد همکاری شوند. این طرح در درجه اول بر کشورهای خاورمیانه ای تمرکز دارد که کمتر از کامپیوتر استفاده می کنند مثل: افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه، لیبی، الجزایر، مصر و یمن.

۳- طرح تدریس رشته مدیریت

برای بهبود سطح مدیریت در تمام منطقه خاورمیانه گروه هشت به کمک همکاری بین مدارس حرفه ای خود و آموزشگاههای منطقه آموزش مدیریت به وجود می آورد. «سومین هدف طرح خاورمیانه بزرگ توسعه فرصتهای اقتصادی» است. پر کردن شکاف اقتصادی بین کشورهای خاورمیانه و جهان معاصر احتیاج به همان تحولی



می خورد. آمریکا در اجرای طرح خاورمیانه بزرگ علاوه بر اهداف پیش گفته، به دنبال جبران شکستهای طرح قبلی خود نیز هست و لذا اهداف زیر را نیز دنبال می کند:

۱- تغییر رهیافت سخت افزاری به نرم افزاری

در تقویت سلطه آمریکا در منطقه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تهدید نامتقارنی که توسط تروریستهای القاعده و فدائیان صدام بر علیه ارتش آمریکا صورت می گیرد امنیت را در عراق و افغانستان با مشکل رو به رو می سازد. به گونه ای که آمریکا وارد یک جنگ فرسایشی شده است. جنگ فرسایشی هزینه های نظامی بالایی دارد و موجب رکود اقتصادی می شود. از همین رو است که آمریکا خواهان مشارکت با اروپا و کشورهای منطقه ای است تا امنیت عراق را به امنیت منطقه خاورمیانه پیوند دهد تا گرفتار جنگ فرسایشی و هزینه های بالای نظامی نشود. لذا گزینه مشارکت نظامی ناتو جهت برقراری امنیت خاورمیانه بزرگ، مد نظر ایالات متحده آمریکا است. از سوی دیگر آمریکا با اجرای طرحهای نرم افزاری امنیت از قبیل رشد مطبوعات، تقویت جامعه و نهادهای مدنی، دموکراسی توده ای، طرحهای آموزشی در صدد است تا حضور خود را در منطقه استراتژیک خلیج فارس و خاورمیانه دائمی کند.

داشته باشند. در نتیجه موانع گمرکی و غیرگمرکی امری عادی محسوب می شود و تجارت از طریق مرزها امری نادر به حساب می آید. بنابراین برای رونق بخشیدن به تجارت در خاورمیانه بزرگ گروه هشت عناصر زیر را مطرح می کند: پیوستن به سازمان تجارت جهانی و اجرای برنامه هایی برای تسهیل بازرگانی، ایجاد مناطق آزاد تجاری به منظور کاهش زمان نقل و انتقال و ایجاد قوانین یک پارچه برای تسهیل ورود و خروج کالاها، کمک به تأسیس مناطق مدیریتی برای ترغیب همکاریهای منطقه ای در برنامه ریزی، ساخت و بازاریابی کالاها و ایجاد تریبون آزاد برای مطرح کردن فرصتهای اقتصادی.^(۹)

۴- اهداف جبرانی آمریکا از طرح خاورمیانه بزرگ

اما در اینجا این سؤال پیش می آید که آیا مداخلات سیاسی و نظامی تحت عنوان دموکراسی، آزادی و حقوق بشر با معیارهای واقعی دموکراسی مطابقت دارد؟ به هر حال دموکراسی یک ایدئولوژی مبتنی بر ارزشهای لیبرال، آزادی فردی، دولت محدود و حاکمیت قانون و جریان دموکراتیک سیاسی است و یک دولت باید در حین حرکتهای استراتژیک خود در حوزه سیاست خارجی اش نیز دموکراتیک عمل کند. اما در مورد سیاست خارجی آمریکا در منطقه خاورمیانه رویکرد دیگری به چشم



۲- مشارکت کشورهای صنعتی و اروپایی در بازسازی

سیاست مشارکت را که اولین بار پاول وزیر امور خارجه سابق آمریکا مطرح کرد، استفاده از کشورهای اروپایی، منطقه‌ای و سازمان ملل را جهت اصلاحات آموزشی، اقتصادی و سیاسی پیشنهاد داد. بنابراین حضور شرکت‌های چندملیتی در بازار آزاد از اهداف آمریکا برای مشارکت اروپا و کشورهای منطقه‌ای برای حفظ پرستیژ بین‌المللی خود در منطقه است.

۳- مشروعیت بخشی به رژیم غاصب صهیونیستی در منطقه خاورمیانه

آمریکا قبل از طرح خاورمیانه بزرگ، طرحی چهارجانبه متشکل از آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل را برای صلح اعراب و اسرائیل مطرح کرد که به نقشه‌ی راه شهرت یافت. این طرح شامل ۳ فاز اساسی است و تا سال ۲۰۰۵ به طور کامل به اجرا در خواهد آمد. در ادامه بوش در ماه ژوئن ۲۰۰۳ به عقبه (اردن) رفت تا طرفین را ملزم به اجرای نقشه راه کند. اما به دلیل سیاست مشت آهنین شارون، طرح نقشه راه یک طرفه توسط اسرائیل لغو شد. چون قرار بود که مسئله بیت المقدس به گونه‌ای که هر دو طرف راضی باشند حل شود. از طرف دیگر این طرح باید به مسئله پناهندگان و یهودی‌نشینان پایان می‌داد. در حالی که اسرائیل با مطرح کردن این بهانه

که تروریسم با صلح ریشه کن نمی‌شود و پافشاری بر موضع گیریهای خود و اعمال فشار بر اینکه فلسطینیها باید سرکوب شوند تا امنیت خاورمیانه تأمین شود، طرح را ناتمام باقی گذاشت. از طرف دیگر آمریکا با طرح خاورمیانه قصد دارد امنیت عراق را به امنیت فلسطین اشغالی پیوند دهد و در این راه در صدد است رژیم صهیونیستی را در طرح خاورمیانه بزرگ مشارکت دهد تا کشورهای عربی منطقه جهت ناامنی به سوی مشارکت برای صلح خاورمیانه حرکت کنند و از این طریق نیز اسرائیل مورد شناسایی کشورهای منطقه قرار گرفته و به رسمیت شناخته شود. از طرفی دیگر منابع نفتی عراق و نزدیکی مرزهای عراق با اردن و فلسطین اشغالی، رژیم صهیونیستی را به این فکر واداشته تا با نفوذ در عراق، حوزه‌ی استراتژیک خود را توسعه داده و بتواند از این طریق بر ایران هم تسلط یابد.

۴- فشار از خارج آمریکا علیه ایران

در طرح خاورمیانه بزرگ مطرح شده که کشورهای منطقه باید تغییراتی اساسی در نظام سیاسی، آموزشی و اقتصادی خود بدهند و چون در این طرح نام ایران نیز آمده، آمریکاییان در صدد تغییراتی در ایران هستند و به عناوین مختلف از خارج بر جمهوری اسلامی ایران فشار می‌آورند. مباحث حقوق بشر و دموکراسی، انتخابات



موجود، گسترش و حمایت از دموکراسیهای نوپا در جهان به ویژه در جهان سوم، حمایت از گسترش اقتصاد بازار آزاد و مقابله با دولتهای مخالف از جمله مهم ترین ایده های دوران کلینتون بود. برای نمونه ایده های مزبور مبنای نظری سیاست مهار دوجانبه دولت کلینتون در قبال ایران و عراق را تشکیل می داد. بنابراین محتوای طرح که همان حمایت از حکومتهای دموکراتیک، تقویت جامعه مدنی، توسعه فرصتهای اقتصادی در منطقه است جدید نیست اما این طرح از سه نظر اهمیت دارد:

۱- بر خلاف طرحهای پیشین این بار آمریکا قصد دارد گامهای عملی جدی برای تحقق طرح خاورمیانه بزرگ بردارد که اقداماتش را در کشورهای افغانستان و عراق به عنوان نمونه بارزی بر اصرار دولتمردان کاخ سفید برای پیشبرد اهدافشان می بینیم.

۲- پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، زمینه فکری و روانی لازم برای برخی اقدامات آمریکا فراهم شد. هر چند مخالفتی بین المللی به دلیل تکررهای آمریکا مشاهده شد، اما در نزد افکار عمومی نیز آراییی درباره ضرورت انجام اصلاحات دموکراتیک در منطقه مشاهده شد.

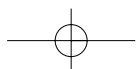
۳- در این طرح تلاش شده که تصور آمریکایی بودن زدوده شود و در سراسر طرح از اهداف مندرج در آن به عنوان اهداف و خواسته های گروه ۸ نام برده می شود.^(۱۱)

هفتم مجلس، پروتکل الحاقی و فعالیت هسته ای ایران دستاویزهایی بوده که آمریکا با مطرح کردن آن در صدد تغییر رفتار و ایجاد اصلاحات به روش آمریکایی در ایران بوده است.^(۱۰)

۵- استفاده از ابزار اقتصادی برای تغییر نظامهای سیاسی کشورهای خاورمیانه

واشنگتن در تلاش است تا به کمک طرح خاورمیانه بزرگ، سازمانهای همکاری منطقه ای دو جانبه و چندجانبه و حضور اقتصادی اش را در منطقه گسترش دهد. بنابراین آمریکا قصد دارد از اقتصاد به امنیت نظامی و سیاسی برسد و با رهیافت اقتصادی، کشورهای خاورمیانه را وادار به تغییرات سیاسی نماید. بنابراین مهم ترین هدف طرح خاورمیانه بزرگ برای آمریکا تأثیر بر ساختار قدرت گسترده ی خاورمیانه است و ایجاد جای پای محکم و توسعه سرمایه گذاری در منطقه و اطمینان از سود آن و از طرف دیگر دستیابی به منابع نفت و گاز منطقه و خطوط انتقال لوله که از این منطقه می گذرد، نیز از اهداف آمریکا به شمار می رود.

بنابراین باید گفت که طرح خاورمیانه بزرگ و محتوای آن صرفاً محصول حوادث ۱۱ سپتامبر نیست بلکه بسیاری آن را تحت تأثیر تحولات پس از فروپاشی بلوک شرق و اندیشه های افرادی چون فوکویاما (در نظریه پایان تاریخ) می دانند. تقویت دموکراسیهای



۵- طرح مارشال نمونه تاریخی طرح خاورمیانه بزرگ

آمریکاییها معتقدند که در پیاده سازی طرح خاورمیانه بزرگ، از تجارب طرح مارشال بهره مند خواهند شد. البته طرح خاورمیانه بزرگ از منتهی الیه شرق خاورمیانه یعنی افغانستان تا عراق در منتهی الیه جبهه غربی خاورمیانه را دربرمی گیرد. اما طرح مارشال آمریکا برای ترمیم زیرساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اروپای غربی در پی گسترش و تعمیق سیاست ایدئولوژیک و ژئوپولتیک روسهادر اروپای شرقی پیاده شد. یکی از اسرار موفقیت طرح اخیر پروسه موفق دولت - ملت سازی از ۱۹۴۸ در اروپای غربی، کارآمدی نظام سیاسی دولت و فرهنگ سیاسی دموکراتیک در غرب بود. آمریکا با تشکیل سکوی پرش سیاسی، اقتصادی و نظامی در آلمان غربی و ژاپن لجستیک تحقق این طرح را بر دو پایه اقتصاد آزاد و دموکراسی در فضای امنیت سازی ناتو فراهم کرد. بنابراین طرح مارشال آمریکا مبتنی بر پروسه دولت - ملت سازی در آلمان غربی و ژاپن و بازسازی زیرساخت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای اروپای غربی بود.

از لحاظ ساختار، طرح مارشال برای رویارویی با ایدئولوژی کمونیسم و طرح خاورمیانه بزرگ در مقابله با ایدئولوژی تروریسم یا تروریسم استراتژیک قابل مقایسه است. طرح مارشال برای پالایش اروپای غربی دموکراتیک با مرکزیت آلمان غربی و طرح

خاورمیانه بزرگ با مرکزیت افغانستان و عراق برای دموکراتیزه کردن بود. از لحاظ نقش نیز طرح مارشال بیشتر در بستر فرهنگ بومی سیاسی دموکراتیک اروپای غربی تحقق پیدا کرد و پوسته امنیتی آن نیز ناتو بود. اما طرح خاورمیانه بزرگ دولت بوش در بستر فرهنگ بومی سیاسی اقتدارگرای دولتهای عربی خاورمیانه امکان پذیر نیست و از طرفی پوسته قوی امنیتی برای حفظ دومینوی دموکراتیک در منطقه فراهم نیست. خاورمیانه به رغم پتانسیلهای بالقوه و بالفعل انرژی، بازار مصرفی، نیروی ارزان کار و سایر منابع فاقد سنتهای دموکراتیک، اصول و مبانی اقتصاد غیرمرکزی و برنامه مدرن اعتماد و امنیت سازی منطقه ای است. پروسه ملت سازی و برنامه مدنیت برای خاورمیانه مانع از تحقق دور بسته آزمون و خطا در استراتژی سیاست خاورمیانه دولت بوش می شود و نیز صحنه پیچیده سیاست عربی خاورمیانه را می گشاید. مهم ترین هدف آمریکا در پروسه ملت سازی خاورمیانه تشکیل strang states بر بستر تحول فکری است. برای ایجاد بستر تحول فکری در خاورمیانه، تدوین و توسعه زیرساخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر Mentality جدید ضروری است. به زعم آمریکاییها هسته اصلی خاورمیانه بزرگ فرضیه کانت است: دولتهای دموکراتیک با یکدیگر نمی جنگند. بنابراین آمریکا به دنبال ایجاد دموکراسی در منطقه خاورمیانه است تا با ایجاد دموکراسی در منطقه به سایر اهدافش نیز دست

یابد.^(۱۲)

:

۶- استراتژی آمریکا در خاورمیانه از بعد از جنگ جهانی دوم

با فروپاشی شوروی و بلوک شرق در اوایل دهه ۹۰ میلادی، نظم دو قطبی به عنوان نظم مسلط اعتبار خود را از دست داد و در نتیجه مناطق مختلف از بین رفت. از این مرحله به بعد تلاش برای ایجاد نظم و ترتیبی جدید در سطح جهان و همچنین مناطق مختلف از جمله خاورمیانه در دستور کار قدرتهای بزرگ قرار گرفت. با خروج شوروی از عرصه رقابت، آمریکا شروع به تکریمهای یک جانبه نمود و حضور در مناطق مختلف را به عنوان یک اصل راهبردی مورد توجه قرار داد. خاورمیانه از مناطقی بود که دو ابرقدرت از الگوی مداخله دو جانبه در آن پیروی می کردند و همین امر موجب تعدیل سیاستها و رفتارهای آنها می شد اما مداخله یک جانبه آمریکا پس از فروپاشی بلوک شرق موجب شد که بدون هیچ مانعی درصدد اجرای تام و تمام سیاستهایش برآید. آمریکا سالها در رقابت با شوروی به سر می برد اما خلأ قدرت ناشی از آن را فرصتی مناسب برای تعقیب اهداف و منافع خود در خاورمیانه یافت. در نتیجه این وضعیت بود که گروه بندیهای مختلف در خاورمیانه از بین رفت و یک گرانش و جریان نسبتاً یک پارچه در خاورمیانه ایجاد شد. این همسویی زمینه را برای آمریکا و متحدان غربی اش به منظور ایجاد نظم و طرح جدید در

خاورمیانه فراهم ساخت. نظم و طرح جدید برای خاورمیانه یا هر منطقه ای دیگر جزئی از نظم جدید بین المللی بود که آمریکا از آن به عنوان «نظم نوین جهانی» یاد می کرد.^(۱۳)

بنابراین به دنبال فروپاشی شوروی شاهد آن هستیم که آمریکا، استراتژی همه جانبه ای را حول عناصر زیر که همگی در راستای منافع آمریکا و متحدانش و منطبق با معیارها و ارزشهای غربی بود تدارک می بیند:

- ۱- تأمین جریان انرژی و نفت منطقه
- ۲- پیشبرد فرآیند به اصطلاح صلح خاورمیانه
- ۳- تأمین و تضمین منافع اسرائیل
- ۴- مقابله با اسلام سیاسی تحت عنوان مبارزه با بنیادگرایی و تروریسم
- ۵- مقابله با کشورهای مخالف منافع ایالات متحده آمریکا
- ۶- گسترش فرهنگ آمریکایی تحت عنوان ایجاد دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد در منطقه

از این رو به دنبال فضای ایجاد شده در منطقه خاورمیانه، آمریکا نه تنها می تواند استراتژی همه جانبه ای را برای منطقه تدوین کند بلکه حتی پا را فراتر می گذارد و علاوه بر تلاش برای ایجاد تغییر در رفتار سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه در راستای تغییر در سیاست داخلی آنها نیز اقدام می کند. تحول در مناسبات واحدهای سیاسی یا دولتهای ملی یکی دیگر از تحولات و عوامل زمینه ساز ارائه

طرح خاورمیانه بزرگ بوده است. در حالی که در طی جنگ سرد و در نتیجه ساختار دوقطبی، الگوی تعاملات شرق - غرب، الگوهای دیگر تعاملات بین واحدهای سیاسی را تحت تأثیر قرار داده بود، پس از فروپاشی نظام دو قطبی، الگوی روابط شمال - جنوب اهمیت بیشتری یافت.^(۱۴) از این رو، استراتژی کلان آمریکا در دوران جدید بر پایه ایجاد یک نظام تک قطبی، مبارزه بی‌امانی راعلیه تمامی رقبای اقتصادی و سیاسی خود تدارک دید که اینک سلطه همه جانبه بر خاورمیانه کلید آن به شمار می‌رود. در کوتاه مدت هیچ رقیبی به اندازه اتحادیه اروپا که با معاهده ماستریخت در دسامبر ۱۹۹۱ وارد مرحله جدیدی از وحدت و انسجام می‌شد، خطرناک نبود. ولی آنچه باعث شد که آمریکا نبض اقتصادی رقیبان خود را در دست داشته باشد، مهار منابع انرژی بود.

نماد سیاست جدید آمریکا جنگ ۱۹۹۱ علیه عراق بود. مخاطب این جنگ در درجه اول اروپا و پس از آن ژاپن و روسیه بود که اروپاییان به صورت مهره‌های بی‌امتیاز از آمریکا پیروی کردند و سهم ناچیزی دریافت نمودند. سیاست جدید آمریکا درحالی‌شکل گرفت که چالشهای گذشته آمریکا و رقبای اقتصادی آن در درون گات و جریان مذاکرات مرسوم به «دورار و گوئه» جریان داشت و با جانشین شدن سازمان تجارت جهانی به جای گات به اوج خود رسید. سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا (که در قلب سیاستهای کلی این کشور در عصر جهانی شدن قرار دارد) بر سه پایه استوار است: نفت، مهار جنبشهای اسلامی و تضمین امنیت و ایجاد مشروعیت برای اسرائیل. آنچه به آمریکا فرصت داد تا این سیاست را پیروزمندانه به جلو راند حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود. در پرتو این حوادث بود که مبارزه با تروریسم به صورت یک امر اخلاقی و جهانی بر تمامی کشورهای جهان تحمیل شد و موجب گشت تا دست آمریکا در کنشهای تهاجمی خود باز ماند.^(۱۵)

در همین راستا تغییرات اساسی در سطح اندیشه‌ی سیاستمداران نیز پدید آمد و با برکنار نمودن ایده‌آلیستهای لیبرال که گرایشهای اخلاقی داشتند، نئوکنسرواتیوها یا نومحافظه‌کاران با اعتقاد به حقوق و قدرت وارد عرصه‌ی سیاست شدند. بر این مبنا که برای گسترش دموکراسی (علاوه بر پیمانها، سازمانهای بین‌المللی و مذاکره)، نیاز به یک دیپلماسی نیرومند نظیر «مهار سختگیرانه» و در بعضی مواقع استفاده از زور وجود دارد. اولین مرحله این پروسه، تغییر رژیم عراق و ادامه‌ی پی‌گیری پروسه ناتمام صلح اعراب - اسرائیل (به جا مانده از دوران کلینتون) است. این خط‌مشی با حذف صدام آغاز شد. تغییر رژیم عراق یکی از پیشرفتهای مهم در پهنه‌ی سیاست آمریکا کشور بود. با حذف صدام از این عرصه نتایج عالی حاصل آمریکا شد که عبارت باشند از: تحریمهای بین‌المللی علیه مردم عراق برداشته شد، شبکه تولید و توزیع نفت عراق دوباره به کار گرفته شد و موجب شد که



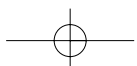
آماده باشیم با مسئولیت‌هایمان رو به رو شویم و در صورت لزوم مایل به استفاده از زور باشیم. تهدیدهای مستقیم، نیازمند اقدامات قاطع است.^(۱۷)

فرجام

حضور گسترده و بلامنازع آمریکا در خاورمیانه پس از جنگ دوم جهانی آغاز شد و آنچه این حضور را پررنگ‌تر نمود جنگ اعراب و اسرائیل بود. استراتژی کلان آمریکا در دوران جدید بر پایه ایجاد یک نظام تک قطبی و مبارزه با تمامی رقبای اقتصادی و سیاسی بود که خاورمیانه، کلید آن به شمار می‌رفت. حوادث ۱۱ سپتامبر این بهانه را ایجاد نمود تا زمینه اجرایی طرح خاورمیانه بزرگ فراهم شود. انتخابات آزاد، آزمونهای پارلمانی، تقویت رسانه‌های مستقل، جامعه مدنی و... در منطقه از جمله اهدافی است که آمریکا از آنها نام می‌برد و مدعی است که طرح خاورمیانه بزرگ فرصتهای بسیاری را برای کشورهای منطقه فراهم می‌سازد اما در پشت این اهداف، مقاصد دیگری چون ایجاد سلطه در منطقه، مبارزه با اسلام بیگانه‌ستیز، ایجاد مناطق آزاد تجاری در جهت تأمین منافع اقتصادی آمریکا و... را به همراه دارد. با این همه به نظر می‌رسد که آمریکا برای رسیدن به این رؤیایا، با چالشهای بسیاری روبه‌رو است؛ خاورمیانه منطقه‌ی جغرافیایی وسیع و ناهماهنگی است با اکثریت مسلمان و حکومتهای مختلف که در اکثر این کشورها

نیروهای آمریکایی در عربستان کاهش یابد و همچنین تقلیل منبع تحریک تروریستهای اسلامی علیه آمریکا نیز از عواید حذف صدام بود. بدین ترتیب همراه با توسعه پتانسیل عظیم نفتی عراق و کاهش وابستگی آمریکا به نفت عربستان موجب شد تا به راحتی برای اصلاحات سیاسی مورد نظر خود، به عربستان نیز فشار وارد آورد. فاز دوم این پروژه برقراری به اصطلاح صلح بین اعراب و اسرائیل است، بوش با حمایت قاطع از سیاستهای آریل شارون نخست‌وزیر اسرائیل اعتقاد دارد که می‌توان فلسطینیان را به تسلیم ناگزیر ساخت. آخرین هدف استراتژی خاورمیانه‌ای بوش توسعه دموکراسی و آزادی در منطقه می‌باشد. چون آمریکاییان مدعی هستند نبود دموکراسی، موجب رشد گروههای تروریست و افراطی در منطقه شده و این برای امنیت کل منطقه و جهان خطرناک است پس برای رسیدن به این امنیت باید دموکراسی را جایگزین حکومتهای دیکتاتور و ناعادلانه منطقه نمود.^(۱۶)

دیک چنی معاون رئیس جمهوری آمریکا در مجمع جهانی اقتصاد، سه مسئولیت را برای آمریکا بر می‌شمارد و می‌گوید که اینها وظایفی است که تا مدت‌ها در آینده با آن رو به رو خواهیم بود: «نخست، باید با ایدئولوژیهای خشونت‌گرا در سرچشمه و از طریق ترویج دموکراسی در سراسر خاورمیانه بزرگ و فراتر از آن برخورد کنیم. دوم، باید با هم با این خطرات مقابله کنیم. سوم، وقتی دیپلماسی شکست می‌خورد، باید



پای منافع خود آمریکا در میان است و توجهی به حقوق فلسطینیان نمی‌شود. آمریکا مصمم شده است که با ایجاد امنیت با مدل دلخواه خود، زمینه را برای مدل اقتصادی خود در منطقه فراهم نماید.

پانوشها

- ۱- بیژن اسدی، «نخیکان خاورمیانه»، تهران، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ص ۱.
- ۲- محمدتقی رضویان، خاورمیانه، جلد اول، تهران، انتشارات دانشکده ملی ایران، ص ۱۷۳.
- ۳- محمدرضا دهشیری، «کتاب خاورمیانه ویژه مسائل و چالشهای خاورمیانه»، ۱۳۸۳، صص ۸۷-۹۱.
- ۴- همان، ص ۹۲.

5- Feb 16, 2004 <http://www.bbc.persian.com>.

6- <http://www.irana.com/Feb.2004>

- ۷- متن کامل طرح خاورمیانه بزرگ، الحیات، روزنامه شرق.
- ۸- رضا مهرعطا، «طرح گسترده آمریکا برای خاورمیانه بزرگ»، مجله خلیج فارس و امنیت، صص ۱۴-۱۵، م.
- ۹- روزنامه شرق، همان.
- ۱۰- مصاحبه با دکتر سیدالدین شهابی، سایت مهرنیوز، ۸/۲/۸۲.

11- David Ilesch, *The Middle East and the U.S.*, u.s Trint university 1996

- ۱۲- حمید هادیان، «تجارب طرح مارشال برای طرح خاورمیانه بزرگ»، روزنامه همشهری دیپلماتیک نیمه دوم فروردین ۱۳۸۳، ص ۳.

- ۱۳- حاکم قاسمی، «تأثیر حمله آمریکا بر خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۲۸، سال هشتم، پاییز ۱۳۸۰.
- ۱۴- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

The Future of North-south Relatoions,
Report of European commission, New York:
st. Martin's Press, 1998.

- ۱۵- علی رحمانی و سعید نایب، «گفتگوهای ایران و اروپا»، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵، صص ۱۲-۵.

16- www.survival.OUPJournals.org.

- ۱۷- سخنرانی دیک چنی در مجمع جهانی اقتصاد، روزنامه همشهری، شماره دهم، نیمه دوم فروردین ۱۳۸۳، ص ۸-۹.

پروژه‌ی ملت‌سازی طی نشده است. از سوی دیگر با مطرح شدن این طرح، کشورهای عربی از هم اکنون نگران تغییر در بافت قدرت خود هستند و چالشهایی را در برابر این طرح همچون مخالفت با وارداتی بودن هرگونه طرح، ناهماهنگی خصلتهای بومی منطقه با هنجارهای جهانی و عدم شناخت واقعی از اغراض اصلی واشنگتن رو به روی خود می‌بینند.

اگر هدف آمریکا از طرح خاورمیانه بزرگ ایجاد دموکراسی و آزادی باشد این امر نیازمند شماری تغییرات و اصلاحات بنیادی و ساختاری در داخل خود این کشورها است و نه خارج از آن. از سوی دیگر چون طرفین اصلی ذی‌نفع در طرح حتی در این خصوص مشاوره‌ای نیز با یکدیگر نداشته‌اند، بدیهی است که فاقد اعتبار لازم از سوی هیئت حاکمه کشورهای منطقه باشد. بی‌اعتباری، بزرگ‌ترین مشکل پروژه آمریکا در زمینه اشاعه‌ی دموکراسی در خاورمیانه است. در برابر این طرح، کشورهای اروپایی نیز واکنشهایی نشان داده‌اند، اما واشنگتن سعی دارد اروپا را همسو با خویش سازد. این امر به خصوص با مخالفت حمله به عراق نمود بیشتری پیدا کرد.

طرح خاور میانه بزرگ از مشکلات دنیای عرب بی‌خبر است و حتی صحبت از ادغام اسرائیل در منطقه می‌نماید. البته این امر نیز به قصد حل و فصل مشکلات و بحران اعراب و اسرائیل نیست بلکه در اینجا نیز بیش از همه،